

حجت الاسلام حیاتی:

دعوی ابوبکر
بغدادی و محمد
بن عبدالوهاب
بامخالفانشان بر
سرایده خلافت
یا امامت نبوده
و نیست، محمد
بن عبدالوهاب
اهل سنت
مخالف خودش
را کافر می خواند،
به عبارتی
می گوید خانه
فکری شما از
پای بست ویران
است و اصلاً
نوبت به خلافت
نمی رسد

متأسفانه رسانه های غربی و غرب گرایان استبداد ورزیدند و با تولید برجسب تطهیر، راه را بر ابراز نظرهای کارشناسانه بستند، درحالی که اساساً کسی که بی دلیل یا به بهانه های واهی داعش و طالبان را مساوی انگاشته و به دنبال تحمیل دیدگاه خود بر مخالفانش است متهم به ساده اندیشی و سوگیری در قضاوت است، نه آنکه با تکیه بر دلایل از وجود تفاوت های جدی و کلان سخن می گوید. آخرین نکته هم آن است که به طور کلی تفاوت های داعش و طالبان در چند محور قابل دسته بندی است، یکی در ایده، عقیده و مبانی فکری و اهداف و یکی هم در عملکرد و رفتار.

شما گفتید داعش و وهابیت تکفیری هستند، سنی نیستند، درحالی که براساس تعریف رایج و مشهور درباره اهل سنت باید داعش و وهابیت را از اهل سنت بدانیم. در تعریف رایج، به مسلمانی که به جای اعتقاد به حقانیت امامت منصوص و بلافصل امیرالمؤمنین به حقانیت خلفای اربعه به ترتیب ابوبکر، عمر، عثمان و علی معتقد باشد سنی می گویند. روشن است که این تعریف هم بر وهابیت و هم بر داعش قابل انطباق است.

حجت الاسلام حیاتی: خوارج حرکتی تکفیری بود که در مقابل شیعیان و علوی های سپاه امیرمؤمنان و عثمانی های شامی پیرو معاویه برخاست، بدون هیچ ملاحظه ای همه را تکفیر کرد، بنابراین دعوی خوارج حول محور اسلام و کفر، توحید و شرک بود. اهل سنت بعدها گفتند: خوارج از اهل سنت نیستند، آنها بدون ملاحظه این نکته که آیا خوارج، خلافت سه خلیفه نخست را قبول دارند یا خیر؟ خط خودشان را از خوارج جدا کردند و بی تعارف گفتند خوارج گروهی تکفیری اند، از اهل بدعت اند، نه اهل سنت. در مسأله مورد بحث ما نیز دعوی ابوبکر بغدادی و محمد بن عبدالوهاب با مخالفانشان بر سر ایده خلافت یا امامت نبوده و نیست، محمد بن عبدالوهاب اهل سنت مخالف خودش را کافر می خواند، به عبارتی می گوید خانه فکری شما از پای بست ویران است و اصلاً نوبت به خلافت نمی رسد. داعش به تبع وهابیت، اقرار مسلمانان مخالف وهابیت به یکتایی خداوند را نمی پذیرد، تازمانی که مسلمانی بسته فکری و نگاه محمد بن عبدالوهاب در باب توحید و شرک ربوبی والوهی را نپذیرد، اقرارش به لاله الا الله پذیرفتنی نیست. گفتمان داعش و وهابیت، در باب توحید و شرک، به هیچ وجه با گفتمان های رایج در مذاهب اعتقادی اشاعره، ماتریدی، معتزله، اصحاب حدیث، صحابه و دیگر سلف هم سنخ و هم رنگ نیست، بلکه در نهایت تضاد است، البته نمی خواهیم بگوییم اینها کفر فقهی دارند. [۴] اگر ما خواهیم مسائل وهابیت و داعش را اصلی فرعی کنیم، اصلاً نوبت به مسأله خلافت نمی رسد.

حجت الاسلام عبدالملکی: سؤال شما بسیار مهم و پرتکرار است که باید علمی و واقع بینانه به آن پاسخ داد. من در دو بخش به این سؤال پاسخ می دهم: داعش پیرو راستین آیین محمد بن عبدالوهاب است، آیین محمد بن عبدالوهاب که به وهابیت شهرت یافته، متکی بر تفسیری خاص از نظام مسائل و مفاهیم توحید و شرک ربوبی والوهی است. وهابیت از مفاهیم و مسائل توحید ربوبی، تفسیر و تصویری مخالف قرآن ارائه می کند، آنها در مفهوم رب، عنصر استقلال را لحاظ نمی کنند، اعتقاد به امکان شفا بخشی اولیاء الله و انبیا در سایه اذن و اراده و مشیت خدا را به منزله شرک ربوبی می دانند، مشرکانی همچون ابو جهل و ابولهب را از ابتلائی به شرک ربوبی تطهیر می کنند، تعبیر من دون الله را به غیر الله تفسیر می کنند، درحالی که چنین تفسیری